

می‌توان به سنجاق سینه‌ای طلایی و میناکاری شده (قاهره، موزه اسلامی، ۴۳۳۷۸) که بر آن آیه شصت و چهارم سوره‌ی بیست و یک به خط کوفی درج شده، اشاره کرد.

قاهره، محل استقرار دربار فاطمی، باید مرکز اصلی تولید این قطعات بوده باشد و قطعاتی با کیفیت بالا که در دیگر نواحی قلمرو فاطمیان یافت شده، می‌بایست از آنجا صادر شده باشد. اما به همان میزان نیز احتمال دارد که چندین مرکز تولید وجود داشته است از جمله جواهرسازان دوره‌گردی که در قلمرو خلافت فاطمی جابه‌جا می‌شدند. دلفینه‌ی جواهراتی با تزیینات ملیله‌کاری در ناحیه‌ی تربیه^۲ در جنوب غربی ال‌کف در تونس همراه با سکه‌های ضرب شده در مهدیه یا منصوریه میان سال‌های ۱۰۰۳ تا ۱۰۴۵ م. کشف شده که احتمالاً در محل تولید شده است. انواع زیورها (بازوبند، گوشواره و النگو) و ملیله‌کاری و نقش‌های تزیینی خاص، این قطعات را با یافته‌های فسطاط مربوط می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه روش‌ها و سبک‌های گسترده‌ای در این دوره بوده است.

دو گنجینه‌ی جواهرات نیز در حفاریات قیصریه در اسرائیل در ۱۱۰۱ م. به دست آمد که گمان می‌رود پیش از حمله‌ی صلیبی‌ها به شهر در ۱۱۰۱ م. دفن شده باشد. این دلفینه از دانه‌های بیضوی و دو مخروط زرین با ملیله‌کاری و ترصیع عالی همانند اشیای فسطاط و نیز جعبه‌های تعویذ نقره‌ای حکاکی شده و دانه‌های بلورین و سنگ‌های به رشته کشیده شده تشکیل می‌شوند. گنجینه‌ی دوم نیز مشتمل بر یک جفت خلخال، تعویذ و النگوهاست. این زیورها نقره‌ای بوده و بر آنها تصاویر حیوانات و دیگر نقوش آشنای کارهای چوبی دوره‌ی فاطمی به شکل برجسته با چکش‌کاری حک شده است. النگوهای مشابهی نیز ساخته شده از طلا، نقره و برنج در سوریه یافت شده است.

همین سبک احتمالاً پس از سقوط خلفای فاطمی در ۱۱۷۱ م. نیز ادامه یافت و بسیاری از قطعات منسوب به فاطمیان احتمالاً بعدتر و در حکومت ایوبیان (۱۱۶۹-۱۲۵۲ م) یا حتی ممالیک (۱۲۵۲-۱۵۱۷) ساخته شده‌اند. برخی نمونه‌های اشیای شناخته شده از دوره‌ی فاطمی، نظیر قطعات میناکاری و ورقه‌های چکش کاری شده برجسته و النگوها با خطوطی همراه‌اند که سبک آنها، تاریخ ساخت بعدتری نسبت به دوره‌ی فاطمی را مطرح می‌کنند. برای نمونه آویز طلایی (قاهره، موزه اسلامی، ۹۴۵۵ A). پلاکی میناکاری با نوشته‌ای به خط نسخ دارد، نوعی خط که در دوره‌ی فاطمیان برای چنین مواردی استفاده نمی‌شد. انتساب برخی از قطعات به دوره‌ی فاطمی، می‌تواند روشن‌گر این مطلب باشد که چرا آثاری این چنین از دوره‌های بعدی بسیار اندک بر جامانده است. قطعات معدودی از نشان‌های افسران مملوک با نقش مایه‌های چینی همچون اژدها، نیلوفر یا گل صد تومنی تزیین شده‌اند که تا سده‌ی چهارده یا پانزده میلادی رایج نشده بود و چون این نقش‌های خاور دور عمدتاً از ایران به این مناطق رسیده‌اند، همواره نمی‌توان میان قطعات مصری و ایرانی تمایز قایل شد.

Enc. Islam / 2: "Diawhar" Jewellery

M.Jenkins and M.Keene: *Islamic Jewelry in the Metropolitan Museum of Art* (New York, 1982)

Islamic Jewellery (exh. cat. by Brosh, Jerusalem, Israel Mus., 1987)

M.Wenzel: *Ornament and Amulet: Rings of the Islamic Lands* (1993), xvi of the *Nasser D.Khalili Collection of Islamic Art*, ed.J.Raby (London, 1992)

۱. پیش از ۱۵۰۰ م. رایج‌ترین اشکال جواهرات زنان بازوبند، دستبند، خلخال، النگو، تعویذ، گوشواره، حلقه‌ی گوش و بینی و تاج بود. زیور مردان کمربند، تعویذ، حلقه‌ی انگشتری (از جمله حلقه‌ی مهر) و گوشواره بود. سنگ‌های گرانبها ارزشمندترین زیورآلات بودند. این سنگ‌ها را یا به رشته می‌کشیدند و یا بر قطعه جواهر سوار می‌کردند و یا به سادگی می‌نشانند. طلا نیز بسیار بالا قیمت‌گذاری می‌شد. نقره و برنز نیز اغلب به صورت تقلبی مطلا می‌شد. از صدف، سنگ، سفال درخشان، شیشه‌ی رنگی و غیره بیشتر برای زیبایی‌شان استفاده می‌شد، تا ارزش واقعی آنها. بیشتر روش‌ها و طرح‌های تزیینی دنباله‌ی سنت‌های پیش از اسلام بودند. سهم دوره‌ی اسلامی، افزایش تدریجی تزیینات کتیبه‌ای بر قطعاتی نظیر تعویذ و در نتیجه کاهش استفاده از تزیین با چهره بود که در دوره‌ی باستان بسیار رواج داشت.

الف) سوریه، مصر و شمال آفریقا. گچ‌بری‌ها و نقاشی‌های دوره‌ی اموی در کاخ‌های سوریه نشان می‌دهد که جواهرات خلفا و درباریان، نظیر دیگر سنن و هنرها، دنباله‌روی سنت‌های اواخر دوره‌ی باستان است. قطعات به دست آمده از حفاری‌ها که متعلق به سده‌های نخست اسلامی است، اغلب از نمونه‌های پیشین قابل تمییز نیستند. سبک اسلامی متمایز، نخست در دوره‌ی فاطمیان در مصر ظاهر شد. یافته‌ها از ویرانه‌های فسطاط (قاهره‌ی قدیم) نشان می‌دهد که عالی‌ترین جواهرات، از طلا ساخته شده و با مهارت ملیله‌کاری و نگین‌گذاری شده‌اند؛ روشی سنتی که در طی این دوره به اوج اعتلای خود رسید و در گوشواره‌ها، گردنبندها، دستبندها و حتی حلقه‌های انگشتری به کار می‌رفت. پلاک‌های کوچک که سطح آن نوعی میناکاری همراه با استفاده از رشته‌های نازک فلزی^۱ شده است و اغلب به عنوان عقد واسط گردنبندهای زرین به کار می‌رفته است، نیز در فسطاط یافت شده‌اند. سبک‌ها و نقش مایه‌های روم شرقی نظیر زوج‌های پرندگان در زیر درخت در این ساخته‌ها دیده می‌شوند. ابن زبیر در اواسط سده‌ی یازدهم میلادی/ ۵ هجری به میناهایی اشاره می‌کند که در میان هدایای ارسال از سوی امپراتور روم شرقی به خلیفه‌ی فاطمی در ۱۰۴۵ تا ۱۰۵۲ م. قرار داشته است، اما به نظر می‌رسد برخی از این قطعات باید در محل تولید شده باشد. چند قطعه دارای نوشته‌هایی به عربی روان به خط‌های کوفی و نسخ شکسته است که برای نمونه

هنر اسلامی (جواهرات)

ترجمه‌ی زهرا منفرد



گزارش‌های منتشر شده از حفاری‌های گاه به گاه، گنج‌یابی‌ها و اشیای نادر، حاوی راهنمایی اندکی برای تعیین تاریخ و محل ساخت این اشیاست حال آنکه شواهد تصویری و شرح‌های متون، شواهد قابل اتکایی فراهم می‌آورند. از سوی دیگر با بیشتر مطالب متکی بر مقایسه و مبتنی بر روش و سبک ساخت اشیای اندکی با منشأ شناخته شده نیز، باید با احتیاط روبه‌رو شد. زیرا سبک‌ها و روش‌های این هنر و صنعت دستی محافظه‌کار، اغلب قرن‌ها برقرار بوده و اگر نوآوری‌هایی پدید می‌آمد، جواهرسازان خانه به دوش (عمدتاً یهودی، زیرا طلا ناپاک محسوب می‌شد) به سرعت آن را گسترش می‌دادند و این نکته تمایز قابل شدن میان مراکز تولید را تا دوران جدید دشوارتر می‌سازد.

زشت شمردن به کار بردن زینت‌آلات گرانبها و پرتجمل از سوی مراجع اسلامی تأثیر اندکی در محدود کردن ثروتمندان در استفاده از طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی در زینت بخشیدن به خویش داشته؛ با این همه تنها درصد اندکی از جواهرات تولید شده در سرزمین‌های مسلمان باقی مانده است. دفینه‌ها یکی از منابع اصلی تاریخ‌نگاری جواهرسازی در دیگر فرهنگ‌هاست، حال آن‌که خاکسپاری جواهرات با مردگان در اسلام ممنوع است و جواهرات بازمانده نیز براساس تقاضای مد و اقتصاد در معرض تغییر و ساخت مجدد بوده است و جواهرات و سنگ‌های قیمتی بار دیگر و در زینت‌آلات دیگر استفاده می‌شدند. در نتیجه قطعات بسیار اندکی باقی مانده که تاریخ یا منشأ آنان شناخته شده است. اندک



مجموعه‌ای نیشابور، نزدیک چیمکنت در قزاقستان به دست آمده که سکه‌های آن در میانه‌ی سال‌های ۹۴۹ و ۱۰۴۰ م. ضرب شده است. این گنجینه از زیورهای گوناگونی تشکیل شده است، شامل: دانه‌ها، گوشواره‌ها، آویزها، حلقه‌های انگشتری، دستبند، کمربند و جعبه‌های تعویذ. روش‌های تزیینی مشتمل است بر سیاه قلم‌کاری، ملیله و طلاکاری. بیشتر نقش‌های تزیینی گیاهی است اما برخی از زیورها نقوش حیوانی نیز دیده می‌شود و جعبه‌های تعویذ دارای خطوط عربی است.

گنجینه‌ی دیگری که براساس ویژگی‌های سبکی باید به سده‌های ۱۱ و ۱۲ م. تعلق داشته باشد، در نهاوند، در غرب ایران یافت شده است (لندن، موزه‌ی بریتانیا). این دفینه مشتمل است بر قدحی زرین و سلاح‌های نقره‌ای مذهب یا سیاه قلمکاری شده، کمربندها و زین‌ها، دانه‌ها و جعبه‌های تعویذ که دارای ارزشمند مردی به نام ابوشجاع اینجو تکین بوده و نامش بر حلقه‌ای فربندی کنده شده است. او در زمره‌ی نخبگان نظامی ترک بود. مقدار نقره‌ی گنجینه احتمالاً بیشتر منعکس‌کننده‌ی توانایی مالی وی است تا نشانه‌ی ریحان نقره بر طلا بنا به سلیقه‌ی مالک.

بین سده‌های ۱۲ تا ۱۵ م. تعداد شواهد تصویری، فقدان مواد

نمونه‌های اشیا نظیر جعبه‌ی تعویذی نقره‌ای و استوانه‌ای سیاه قلم‌کاری و تعدادی سگک کمربند افزوده شده است.

دو دستبند طلایی معروف و همانند (نیویورک، موزه‌ی متروپولیتن، ۵۷/۸۸؛ واشنگتن، مجموعه فریه؛ شکل ۲۴۰)، هرچند کیفیت بسیار بالاتری از اشیای دیگر به دست آمده در نیشابور دارند، به همین ناحیه تعلق دارند. این دستبندها از مفتول‌هایی ساخته شده‌اند که در واقع لوله‌هایی توخالی هستند که به تدریج باریک شده و به قلابی با تزیینات چکش‌کاری منتهی می‌شوند. مفتول عالی اطراف آنها حالتی مارپیچ به آنها داده است. گیره‌ها با فیروزه و چهار نیمکره‌ی بزرگ و چند نیمکره‌ی کوچک پوشیده از دانه‌های ریز به طور جسورانه‌ای تزیین شده‌اند. بر چهار صفحه‌ی زیر گیره‌ها، سکه‌هایی دیده می‌شود که به نام خلیفه‌ی عباسی القادر در دوره‌ی حکومت سلطان محمود غزنوی در نیشابور ضرب شده‌اند. این دستبند شاهی است معتبر بر اینکه در خراسان زیورآلات زرین ملیله‌کاری و مرصع نظیر آنچه در مصر یافت شده تولید می‌شده است.

مجموعه‌ای از جواهرات آسیب دیده که به احتمال برای ذوب کردن گردآوری شده بوده‌اند با تاریخی بسیار نزدیک به



کمربندهای چرمی با قلاب‌های فلزی به عنوان نماد مقام در دربارهای ایوبی و ممالیک اهمیت یافت، حال آنکه دیوار نگاره‌ها و کاشی‌های منقوش در کاپاپالاتینای^۲ پالرمو که ترسیم آنها به نقاشان آشنا با هنر فاطمی منسوب است، نشان می‌دهد که مردان در حکومت فاطمیان در حد بسیار محدودی از جواهرات استفاده می‌کردند و یا اصلاً جواهری نمی‌آویختند. عالی‌ترین کمربندها، زرین و مرصع به سنگ‌های گرانبها بود که سلطان به سرداران عالی‌رتبه‌ی خود اعطا می‌کرد. در تواریخ معاصر این دوره، سخاوتمندانه‌ترین هدایای این چینی با قلاب‌ها و پلاک‌های مستطیل پر کار سیمین و زرین با مشبک کاری عالی از نقوش طوماری و نقش‌مایه‌های حیوانات وصف شده‌اند. یکی از این کمربندها (بیت المقدس، موزه‌ی میر، مؤسسه اسلامی، A، ۲۳J) که نام‌ها و عناوین سلطان ملک صالح ابوالقاسم اسماعیل بر آن حک شده، به طور استثنایی، تعیین تاریخ و منشأ تولید این قطعه را ممکن می‌سازد، زیرا ابوالفدا امیری ایوبی بود که بر حماة در سوریه حکومت می‌کرد و عنوان سلطان را تنها یک سال قبل از مرگ در ۱۳۲۱، فرمانروای مملوک به او اعطا کرده بود. از آنجا که کمربندی‌های مشابهی در ترکیه و جنوب روسیه به دست آمده است، شاید این شی خاص از استپ‌های اوراسیا که سلاطین

مملوک و درباریانشان از آنجا سر بازگیری می‌کردند، آمده باشد. (ب) عراق، ایران و غرب آسیای مرکزی. سنن ساسانی در حوزه‌ی خود حتی پس از فتوحات مسلمانان، نیرومند باقی ماند. از عراق دوره‌ی خلافت عباسی (۷۴۹-۱۲۵۸) عملاً هیچ جواهری باقی نمانده است، اما در دو دیوار نگاره‌ی کاخی در سامرا مربوط به قرن نهم میلادی، مردان نوعی کمر بند با تسمه‌های آویزان بسته‌اند با صفحات پیکان شکل چسبان و تنگ که در حجاری‌های طاق بستان نیز دیده می‌شود.

کامل‌ترین و در دسترس‌ترین مجموعه از این اشیا متعلق به اوایل قرون وسطی (۸-۱۰م) در نیشابور (شمال شرقی ایران) به دست آمده است (نیویورک، موزه‌ی متروپولیتن). این مجموعه شامل رشته دانه‌های شیشه‌ای و سنگی، طوق‌های طلائی، گوشواره‌های منجوق‌دار، آویزهای گلابی شکل و هلالی‌های برنزی، حلقه‌های انگشتری طلائی، نقره‌ای و برنزی جواهرنشان، قلاب کمرهای مستطیل برنزی مطلا شبیه به آنچه درباریان در نقاشی‌های دیواری در نیشابور و شکری بازار به کمر بسته‌اند و نیز بازوبندی طلائی با سر مار است. قطعات نشان می‌دهد که ساخت اشپای تزینی پیش از اسلام به طور کامل در دوره‌ی اسلامی ادامه یافت، اما خطوط عربی به نقوش سنتی گیاهی و حیوانی در بهترین

مطالعه کرد. زنان گردنبندهای بلندی می‌بستند که از ترنج‌های زرین با نقش گلسرخ تشکیل و اغلب با سنگ‌های گرانبه‌ای سبز و قرمز مرصع می‌شد و گاه با یک ترنج مرکزی مدور و سپرشکل تزئین می‌گردید.

کمربندهای زنان و مردان دارای طرحی شبیه گردنبندها بودند: روی تسمه‌های تیره، نشان‌های گل‌سرخ با فواصل ثابتی قرار می‌گرفتند و دکمه‌های ردهای مردانه نیز همین شکل را داشتند. زیور زنانه‌ی دیگر در سده‌ی ۱۶، رشته مروارید زیرچانه بود که دو گوشه‌ی روسری را به هم وصل می‌کرد. دستارهای مردان با تعداد کمی رشته‌های کوتاه از دانه‌های طلا یا سنجاق‌های زرین و پرتزین می‌شدند. مردان و زنان گوشواره‌های بلندی با یاقوت گلابی شکل آویزان می‌آویختند، حال آنکه صوفیان و خدمتکاران گوشواره‌های حلقه‌ای با طوق‌های زرین به گوش می‌آویختند. تا قرن ۱۷، گردنبندهای با نگین گلسرخ از رواج افتاده و دستارها نیز بزرگتر و فاقد زنجیرهای طلایی گردیدند. در نیمه‌ی دوم قرن، زنان طوق‌های زرینی می‌بستند که با سنگ‌های قیمتی اغلب قرمز جواهرنشان شده بود. کمربندها نیز از صفحه‌های مربع ساخته می‌شد که با جواهرات تزئین می‌گردید. مردان حلقه‌های جواهرنشان بر انگشت کوچک خود می‌کردند.

در دوره‌ی قاجار، سبک‌ها و طرح‌های جواهرات از اساس دگرگون شد. طبقات بالاتر بیشتر به جواهرات روی آوردند و زیورآلات زرین هم با سنگ‌های رنگارنگ، جواهرنشان و مینا‌کاری می‌شدند. گوشواره‌های هلالی شکل یا قبه بلند مزین به نقش گل‌ها و پرندگان، سنجاق‌های مویا عمامه به شکل گلابی یا قطره اشک، گردنبندهای کوتاه، جعبه‌های تعویذ استوانه‌ای و مکعب و آویزه‌هایی با تصاویر بانوان جوان چون حضرت مریم و عیسی نوزاد از جمله‌ی این زیورها بودند. کمیت و غنای جواهرات مرصع به یاقوت‌های سرخ، زمرد، یاقوت کبود، الماس و مروارید در نقاشی‌های رنگ و روغن همان زمان منعکس است. یقه‌ها، سرآستین‌ها، حواشی لباس و کفش‌ها با مرواریدهای سفید درخشان سیاری زینت می‌شدند.

برای اطلاع بیشتر درباره‌ی جواهرات در آسیای مرکزی بنگرید به آسیای مرکزی...

ب) کردستان. سبک متمایزی در جواهرسازی اواخر سده‌ی ۱۹ و اوایل سده‌ی ۲۰ در کردستان، سرزمینی میان ایران و قلمرو عثمانی در شمال بین‌النهرین رواج یافت. روش‌ها و الگوهای زرگری سنتی رایج شد و ملبله‌کاری عالی و ظریف تخصص زرگران کرد گردید. سنگ‌های قیمتی کم بود اما فیروزه که علاوه بر ویژگی تزئینی، اهمیتی جادویی داشت، رواج داشت. نقوش طوماری، گل‌ها و برگ‌ها، ماهی و پرندگان به موازات نقوش هندسی کاربرد داشتند. گردنبندها از دانه‌های زرین تشکیل می‌شد که با صفحات مستطیلی به هم وصل می‌شد و این صفحات با سکه‌های عثمانی و اروپایی و فیروزه تزئین می‌شدند. گردنبندهای نمونه‌ی کردستان برای جشن‌ها از پلاک‌های مستطیلی ساخته می‌شد که آویزه‌هایی

- A.Spitsin: Iz Kollektiy imperatorskago Ermitazha' [from the collections of the Imperial Hermitage], *Zapiski Russ. Arkbeol. obsbochestva*, VIII(1906), pp. 249-74.

- A Bahgat and A.Gabriel: *fouillesd'al-* Foustat (cairo, 1921) B.Gray; A seljuk Hoard from Persia, *BMQ.*, Xiii (1938-9), pp.73-9

- G.Marcais and L.Poinssot: *Objects K.airouna-natis*, IXe au XIIIe Siecle, 2 Vols (Tunis, 1948-52)

- V.P.Darkevich: *Khudozbestvenny metal Vostoka*, VII-XIII VV. [Fine metalwork of the East: 8th-13th Century] (Moscow, 1976)

- J.W.Allan: Nishapur: *Metalwork of the Early Islamic Period* (New York, 1982)

- D.J. Content: Islamic Rings and Gems: the BenJamine Zucker collection (London, 1982)

- M.G.Kramarousky: *Serebro Levanta i khudozh-estuenny metall Severnogo prichernomorya, XII-XV Vekov'* [Silver of the Levant and fine metalwork of the area north of the Black sea in the 13th-15th Century *Khudozbestvennyye Pamyatniki i problemy kul'tury Vostoka* [Art objects and Problems of the culture of the East], ed. V. Lukonin [Leningrad, 1985], pp.152-80

- R.Hasson: *Early Islamic Jewellery*, Jerusalem, Mayer Mem. Inst. Islam. A cat. (Jerusalem, 1987)

- *The Simferopol Treasure*, Moscow, state Hist.Mus. Cat. (Moscow, n.d.)

M.Wenzel: *Ornament and Amulet: Rings of the Islamic Lands* (1993), XVI of the Nasser D.Khallili Collection of Islamic Art, ed, J.Raby (London 1992)

راشل وارد.^۵

۲. پس از حدود ۱۵۰۰. بیشترین نمونه‌ی جواهرات باقیمانده مربوط به اواخر سده‌ی ۱۸ و سده‌ی ۱۹ می‌باشد که سبک‌های متمایز در نواحی مختلف توسعه یافت.

الف: ایران، ب: کردستان، ج: عثمانی، د: شمال آفریقا، هـ: یمن

الف. ایران. نمونه‌ی جواهرات ایران که متعلق به سده‌های ۱۶ و ۱۷ می‌باشد را می‌توان از روی تصاویر کتاب‌های همان زمان



زمین‌های سفلائی رود ولگا یافت شده است. این اشیاء را با توجه به سکه‌های این دفرینه‌ها می‌توان به سده‌ی ۱۴ و ۱۵ م. نسبت داد. نمونه آن گنجینه‌ی سیمفروپل^۴ (مسکو، موزه‌ی دولتی تاریخ)، است که دربرگیرنده‌ی شکل‌های مستطیل و گلسرخ، کمربند، کلاه‌های تزیینی، گوشواره‌ها، جعبه‌های تعویذ و دستبندها همراه با سکه‌ها و برگه‌ی عبور رسمی مربوط به سده‌ی چهاردهم میلادی است. روش‌های تزیین این جواهرات ملیله‌کاری عالی و مینا‌کاری تا حدودی ناشیانه است. مقدار و سبک هماهنگ این جواهرات بیانگر آن است که در محل تولید شده‌اند گرچه شباهت بسیار آنها با جواهرات تصاویر نسخه‌های خطی فارسی می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد که جواهراتی شبیه به آنها در ایران نیز تولید می‌شده، هرچند مقدار کمی از آنها باقی مانده است.

کتابشناسی:

- al-Qadi al-Rashid ibn al-Zubayr (mid-11th century):
Kitab *al-ahakba'irma'l-tubaf* [Book of treasures and gifts], ed. M. Hamidullah (Kuwait, 1959)

باستان‌شناختی را جبران می‌کند. زنان در تصاویر روی ظروف و نسخ خطی در سده‌های ۱۲ و ۱۳ م. تاج، گوشواره‌های هلالی مروارید نشان و خفت، دستبند و بازوبند و خلخال دارند. نقش‌مایه‌های حیوانات و انسان‌ها در تمام ابزارهای این دوره مشترک است و بر جواهرات نیز اغلب حیوانات و زوج‌های پرندگان و حتی اشکال انسانی حک شده‌اند. با حمله‌ی مغول در اواسط سده‌ی سیزدهم، نقش‌مایه‌های شرق‌آسیا در تمام هنر ایران از جمله جواهرسازی نفوذ کرد تصاویر نسخ خطی از سده‌ی ۱۴ و ۱۵ م. تاج‌های قوس‌دار و آویزها، دستبندهایی با سر اژدها و گروهی قاب‌نگین با گل‌های نیلوفر آبی و گل صدتومنی به عنوان نقش‌مایه‌های محبوب تزیینی در سده‌ی ۱۵ م. را نشان می‌دهند. سگک‌های گلسرخ با ملیله‌کاری زیبا و ظریف جای قلاب کمرهای مستطیل پیشین را گرفت و زنان در اطراف صورت خود رشته‌های مروارید آویختند.

بسیاری از قطعات جواهرات به این سبک، در گورها و دفرینه‌های قلمرو اردوی زرین در امتداد ساحل شمالی دریای سیاه و

دستبندهای نمونه لولا داشتند و از ردیف‌های موازی زنجیر که روی صفحات مسطح جوش خورده بودند، ساخته می‌شدند و به عنوان بست‌های سوزنی و لولایی به کار می‌رفتند. گردنبند‌های کوتاه نیز شبیه این دستبندها بودند به جز آنکه گیره‌ی بزرگی در جلوی آن بسته می‌شد. زیورهای سر از چند رشته زنجیر تشکیل می‌شد که به روسری محکم می‌شدند و تا اواخر سده‌ی ۱۹ رواج داشت. در نیمه‌ی دوم سده‌ی ۱۷، الماس‌های گلسرخ‌ی به طور فزاینده‌ای برای سنجاق کلاه، حلقه‌ی گوشواره و انگشتر رایج بود، سنجاق کلاه پس از سنجاق عمامه به شکل گلسرخ، دسته‌ی گل، شاخه گل، ستاره، هلال ماه و انواع پرندگان طراحی می‌شد. روی حلقه‌ها قاب بادامی‌شکلی قرار داشت شبیه به حلقه‌ی مارکیز اروپایی. براساس نقاشی‌ها و عکس‌ها، گردنبند مروارید محبوبیت زیادی داشت، اما مرواریدهای گردنبندها از رشته‌ی اصلی جدا و دویاره استفاده می‌شدند. در گردنبند‌ها سکه‌های طلای اصیل یا تقلیدی که اغلب مهر عثمانی (طغرا) داشتند، به کار می‌رفت. در اواخر سده‌ی ۱۹ سکه‌های اروپایی را به سبب ارزش آنها ترجیح می‌دادند. تسمه و قلاب نقره‌ای گاه مذهب از لوازم پوشاک سنتی عثمانی بود (بنگرید بندششم، ۳ (پنج) (ب) بالا). آنها از نظر شکل و روش ساخت و سبک گوناگون بودند: برخی با فیروزه، و مرجان مرصع و بعضی نیز با چکش کاری برجسته، ملیله و میناکاری در نقوش هندسی و طوماری تزیین می‌شدند.

(د) شمال آفریقا. بیشترین جواهر بازمانده در این منطقه متعلق به مراکش، الجزایر و تونس و از سده‌ی نوزدهم است. هرچند قطعات اندکی از جمله یک گوشواره‌ی آویزدار مرصع به یاقوت و زمرد به سده‌ی هفدهم منسوب است (نیویورک، موزه‌ی متروپولیتن، ۱۹۸۱، ۱۷۰۶۰۵).

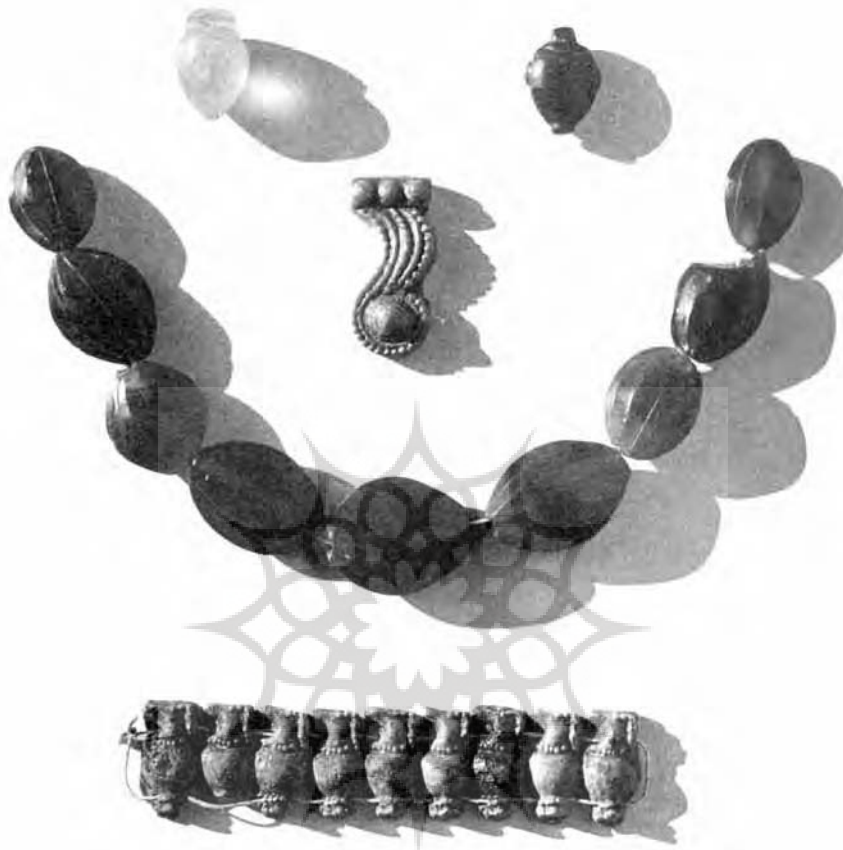
زیورآلات نقره‌ای در روستاها و زیورآلات زرین در شهر رایج بود و مردمان قبایل صحرائشین که در تماس با سکنه‌ی آفریقای نیمه‌صحرائی بودند، از این مد پیروی می‌کردند. حمایت در برابر چشم‌زخم و ویژگی برجسته‌ی جواهرات شمال آفریقا بود. دست‌گشوده که به نام خمسه یا دست حضرت فاطمه دختر پیامبر (ص) شناخته می‌شود از شایع‌ترین تعویذات در منطقه بود. قدرت‌های جادویی به صلیب و دیگر شکل‌های هندسی نظیر مثلث و ستاره داود یا مهر سلیمان نسبت داده می‌شد. مجموعه‌ی زیورآلات مشتمل بود بر اشکال ماهی، مار، عقرب، کبوتر، سمندر که هر یک دارای قدرت‌های مشخص درمانی بودند.

مراکش به سبب تنوع در خمسه‌ها شهرت دارد. این خمسه‌ها از ساده و روستایی آن که با ورقه‌های نقره و اشکال گل و گیاه تزیین شده بود تا نمونه‌های عالی شهری که الماس و زمرد نشان بودند، تنوع داشتند. سنجاق‌ها و سوزن‌هایی نیز به سنت رومی ساخته می‌شد که زمان برابر برای بستن جامه‌های بالاتنه به کار می‌بردند و با صفحات مثلث شکل نقره‌ای و کنده‌کاری شده و نصب مرجان یا شیشه بر روی آنها تزیین می‌شدند. این اشیا اغلب زنجیری با عناصری مدور یا بیضی متصل به خود دارند. رایج‌ترین جزء و

عنصر زیورآلات زرین تزاره^۶ بود که بانوان شهری ثروتمند می‌آویختند و آن گردنبندی از ترنج‌های مشبک، به سبک عربسک و مرصع به سنگ‌های قیمتی و مروارید بود. نوع دیگر گردنبنند مرصع بود. زنان شهری همچنین گوشواره‌هایی مشبک کاری و آویزان به گوش می‌کردند. گردنبندها و گوشواره‌ها از جواهرات عثمانی و زیورآلات جنوب آسیا در دوره‌ی باروک تقلید شده‌اند. دستبندهای ساخت فاس و طنجه^۷ معروف به ماه و خورشید از رشته‌های اریب تشکیل شده‌اند که در ساخت آنها به تدریج طلا جایگزین نقره گردید. الگوها از فلز ریخته و آراسته به نقوش گیاهی یا هندسی بودند و دستبندهای گل میخ‌دار برای دفع چشم‌زخم طراحی می‌شدند. جواهرات میناکاری تزیینت^۸ عمدتاً به رنگ‌های زرد و سبز بودند؛ و این نوع میناکاری خصوصیت جواهرسازی تگومونت^۹ شهر کوچکی در ماورای اطلس^{۱۰} بود. کهربا و عنبر نیز به سبب قدرت درمانی خود ارزشمند محسوب می‌شد، و به وفور در جنوب مراکش و موریتانی رواج داشت.

جواهرات الجزایر عمدتاً نیمتاج، دستبنند و گردنبنند بود که از نقره ساخته می‌شد و با میناکاری خاص همراه با مفتول‌های فلزی به رنگ‌های سبز و آبی و زرد و ملیله کاری عالی تزیین می‌شد. جواهرات اغلب با مرجان مرصع و به سبب قدرت‌های جادویی و شفابخش امتیاز داشتند. جواهرات سنتی تونس نیز سیمین بود که گاه مذهب می‌شدند. اکثر جعبه تعویذها مثلث، استوانه‌ای و مکعب و گوشواره‌های حلقه‌ای و بلند بودند. بر نیمتاج هلالی شکل، نقوش کبوتر (نماد برکت و مژده‌ی خیر خوش)، ماهی (نماد حاصلخیزی و زندگی)، گل و ستاره‌ی داود کنده‌کاری می‌شد که همان نقوش بر دستبندها نیز یافت می‌شود. دیگر جواهرات ملیله‌کاری و میناکاری مفتولی به رنگ‌های قرمز و آبی بر زمینه‌ی نقره‌ای مذهب رایج بود. مراکز بزرگ تولید زیورها در تونس شهرهای جربه و اسفکس^{۱۱} هستند. قبایل طوارق صحرا نیز جواهرات نقره‌ای به ویژه دستبندهای قالب‌ریزی^{۱۲} و صلیب‌هایی می‌ساختند که در آنها بازوهای صلیب و مرکز برجسته‌ی آن جای دست سنتی را به عنوان نماد عدد پنج گرفته بود. جواهرات نقره‌ای طوارق اغلب با توپک‌ها و برجستگی‌های هرمی شکل تزیین یا کنده‌کاری و میناکاری می‌شد. دستبندها از چوب یا شاخ حیوانات ساخته می‌شدند. در صحرا^{۱۳} مرجان همانند صدف کاوری^{۱۴} برای گردن‌آویزها و زیورهای مو مورد استفاده واقع می‌شود.

ه) یمن. قدیمی‌ترین جواهرات یمنی که برجا مانده متعلق به اواخر سده‌ی هجدهم و عمدتاً در صنعا ساخته شده‌اند. ریشه‌های سنت جواهرسازی یمن مبهم است و نظرات پیشنهادی از دوره‌ی ماقبل اسلام در جنوب عربستان تا هند را شامل می‌شود. یهودیان یمنی انحصاری واقعی بر تولید جواهر داشته‌اند و این هنر از پدر به پسر می‌رسیده است. بنابراین جواهرات یمنی سبک محافظه‌کارانه‌ای را نشان می‌دهند که در آن نقش مایه‌ها و شکل‌ها در ترکیب‌های گوناگون تکرار می‌شوند. جواهرات سنتی اغلب نقره‌ای هستند و گاه مذهب که برجسته‌کاری، ملیله‌کاری و



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سنگ‌های گرانبها زینت شده‌اند. اینان کمربندهایی با سنگ طلائی بسته‌اند. حلقه انگشترهای طلا با الماس، یاقوت، زمرد یا یاقوت کبود در انگشت کوچک خود دارند. از سده‌ی ۱۶ به بعد آنان انگشترهای تیرانداز دارند که با نقوش طوماری و زمرد تزیین شده است. در برخی کمربندهای گرانبها (استانبول، توپکاپی، موزه) از صفحات عاج و صدف استفاده شده که با طلا ساخته و با سنگ‌های گرانبها تزیین شده است. روش‌های جواهرسازان در بسیاری از اشیای یشمی و بلورین در خزانه‌ی سلطان به کار گرفته شد (بنگرید بندهای هشتم بالا و ۱۳ (دو) سطور بعد). این اشیا با سنگ‌های قیمتی که در قاب‌های مدور زرین کار گذاشته شده‌اند، تزیین و روشی مشخصاً عثمانی است. در اوایل سده‌ی هجدهم هنرهای عثمانی، از جمله زرگری قویاً بر روش‌های اروپایی استوار بود و در سده‌های ۱۹ و ۲۰ جواهرات سنتی به پیروی از سلیقه‌ی اروپاییان بار دیگر رواج یافت. گردنبندها و دستبندها و گردنبندهای کوتاه زنجیر طلا داشتند.

شبیبه به ماهی داشتند. همچنین نواری از سکه‌ها که سکه‌ی بزرگ‌تری در مرکز آن قرار داشت از دیگر انواع گردنبندها به شمار می‌رفت. دستبندها نیز با سکه‌های انگلیسی و ستارگان و هلال‌های ماه تزیین می‌شدند. بیشتر گوشواره‌ها به روش ملیله و به شکل هلال یا سبدهایی با دانه‌های کوچک مروارید و طلا بودند. سنگ کمربندها نقره‌ای بود و نقوش گل و گیاه به سبک عثمانی بر آن چکش کاری و برجسته می‌شد.

ج) امپراتوری عثمانی. در حکومت عثمانی‌ها (۱۲۸۰-۱۹۲۴) استانبول مرکز جواهرسازی شد. معادن طلا و نقره و سنگ‌های گرانبهای بسیاری در قلمرو عثمانی‌ها به بهره‌برداری رسید و به سرعت در سده‌های ۱۵ و ۱۶ توسعه یافت. زرگرهای بسیاری خواه ناخواه به پایتخت آمدند. در سده‌ی ۱۶ سبک خاص عثمانی، با عناصر مشترکی از ایران، هند و سرزمین‌های بالکان پدید آمد. نقاشی‌های عثمانی از سده‌ی ۱۵ به بعد سلاطین و شاهزادگان را با عمامه‌های بزرگی نشان می‌دهد که با سنجاق‌های طلای بزرگ و

- (Jerusalem, 1941)
- J. Besancenot: *Bijoun arabes et berberes du Maroc* (casablanca, 1953)
- G. Marcais: *Les Bijoux musulmans de l'Afrique du nord* (Algiers, 1958)
- Haye ha-yehudim be-Marc [jewis life in moracco]*
- A. Muller - Lancet; Jerusalem, Israel mus, 1973; Fr. trans, 1986)
- *Jewelry from Persia: The Collection of Patti Birch* (exh. cat; Pforzheim, Schmuckmus, 1974)
- C. Koseoglu: *Topkapi Sarayi Miizesi* (Tokyo, 1981), Eng. Trans. and ed. by J.M Rogers as *Topkapi Saray Museum; The Treasury* (Boston, 1987)
- *The Art of the Goldsmith and Silversmith in Jewish communities in the East: Jerusalem, 1981. [Papers Published in Peamim, xi (1982)]*
- *The Jews Kurdistan* (exh. cat. ed. O. Schwarts - Beeri) Jerusalem Israel Mus. 1981) [in Heb].
- A. Fischer: *Africa Adorned* (London, 1984)
- R. Hasson: *Later Islamic Jewelry* (Jerusalem, 1978)
- *Jewelry and Golsmithing in the Islamic world: international symposium: Jerusalem, 1987*
- M. Russo - katoz: *Jewelry, Sephardi jews in the ottoman L'empire* (exh. cat. ed. E. Juhasz" jerusalem, Israel mus, 1989), pp. 173- 95
- M. Wenzed: *ornament and Amulet: Rings of the Islamic Lands* (1993), XVI of the Nasser D. Khalili collection of *Islamic Art*, ed J. Raby (London, 1992)
- RACHEL. HASSON

پی نوشت ها:

1. cloisonne enamel
2. Tavabia
3. Cappella palatina
4. Simferopol
5. Rachel Ward
6. tizara
7. Tangier
8. Tiznit
9. Taguemont
10. Anti Atlas
11. Sfax
12. Cast
13. Sahara
14. Cowrie
15. applique
16. Lazem
17. Labbeh
18. Ma'anakeh
19. garagash

ترصیع و خاتم‌کاری^{۱۵} شده‌اند. عناصر تزئینی اغلب حاوی معانی نمادینی هستند مثلاً ماهی و خوشه‌های غلات حاصلخیزی را نشان می‌دهد و مارهای زنگی دافع شیاطین بودند.

عناصر تزئینی نمونه‌وار گل‌های کوچکی هستند که از دانه‌های نقره‌ای، صفحات لوزی شکل که دانه‌هایی به شکل توت، دانه‌ی انار و بادام بر آن جوش داده‌اند تشکیل شده‌است. صفحات مثلثی شکل ملیله به عنوان پایانه‌ی گردنبندها به کار می‌روند. زنجیرهای مارآسا ساخته شده از بست‌های مسطح و دیگر رشته‌های قلاب شده با صفحات انعطاف‌پذیر از دیگر انواع این جواهرات‌اند. دستبندها - با یا بدون بست - همیشه به صورت جفت ساخته می‌شوند.

نوع‌روسان دستبند کُبور را که برجستگی‌هایی به شکل مقبره‌ها (عربی: قبور) داشتند به عنوان حامی در برابر مرگ، حتی در روز عروسی نیز به دست می‌کردند. چند حلقه را همزمان به دست می‌کردند. یک نمونه‌ی خاص یک جای نگین برجسته دارد، حلقه‌های عروسی ساخته شده از ملیله کاری ظریف و حلقه‌های دیگر مرصع به عنبر، مروارید و بلورهای سبز و قرمز است. جعبه‌های تعویذ، استوانه‌ای یا مکعب مستطیل، جز مکمل جواهرات بودند و یا به عنوان طلسم به طور مستقل به کار برده می‌شدند.

گردنبند لازم^{۱۶} از چند صفحه‌ی مستطیل که با ردیف‌های موازی زنجیره‌ها از دانه‌های کوچک به یکدیگر متصل شده‌اند، تشکیل شده است. جعبه‌های تعویذ استوانه‌ای از این زنجیره‌ها آویزان است. این زیور معمولاً به دوشیزه‌ای هنگامی که به سن ازدواج می‌رسید، داده می‌شد. گردنبند لبه^{۱۷} از زنجیره‌هایی تشکیل می‌شود که از صفحات کوچک بسیاری ساخته شده و زیرچانه بسته می‌شود و آویزها زنجیره‌ها و گل‌سرخ‌ها از آن آویزان است و پدر عروس آن را به او هدیه می‌دهد. گردنبند مئنه^{۱۸} از رشته دانه‌هایی چند ضلعی یا حبه‌انگوری تشکیل می‌شود که میان مثلث‌هایی در دو سر زنجیر آویخته می‌شوند و بانوان ازدواج کرده آن را به صورت درهم تابیده می‌آویختند. گردنبندها سکه‌هایی عمده‌تأ تالر اطریشی داشت که به ریال شهرت داشتند. گوشواره‌ها بلند و آویزان و متصل به گارگوش^{۱۹} بودند، سربندی که کاملاً گوش‌ها را می‌پوشاند.

منابع:

- Enc. *Islam/2 khansa'* (Five)
- P. Eudel: *L' Orfenn algerienne et tunisienne* (Algiers, 1902)
- R. Berliner and P. Boichardt: *Silbersch miedearbeit- en aus Kurdistan* (Berlin, 1922)
- M. Narkiss: *The Artcraft of the yemenite Jews*